



بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت - 8 شهریور / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

از گزارش جناب آقای رئیسی - رئیس جمهور محترم - و بقیه‌ی آقایان که استماع کردیم، بهره بردیم. یاد این دو شهید عزیز را، شهید رجائی و شهید باهنر را گرامی میداریم. حقاً و انصافاً این دو نفر، دو مدیر تراز انقلاب اسلامی بودند - هر دویشان - که خب، ما سالها با هر دوی اینها - بخصوص با آقای باهنر - کار کرده بودیم؛ اینها را کاملاً از نزدیک می‌شناختیم و میدیدیم. و خدای متعال هم پاداششان را با شهادت داد؛ یعنی واقعاً حیف بود این دو نفر با مرگی غیر از شهادت از دنیا بروند. یاد اینها را گرامی میداریم.

هفته‌ی دولت دو کارکرد دارد که یکی از این دو کارکرد غالباً مورد غفلت است؛ من هر دو را عرض میکنم. کارکرد اوّل هفته‌ی دولت، مسئله‌ی «یاد» است؛ همین یاد شهید رجائی، یاد شهید باهنر، یاد حوادث انقلاب. یاد، در مقابل غفلت است؛ در مقابل فراموشی است که آفت بزرگی است؛ غفلت و فراموشی، آفت بزرگی است. اِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ؛ (۲) «ذکر» یعنی یاد؛ یا [در آیه‌ی دیگر]: انزلنا إليكم كتاباً فيه ذِكرُكم؛ (۳) یاد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که ادیان دنبالش هستند، این است که مردم را متوجه کنند؛ از غفلت خارج کنند، فراموشی را، فراموشی فطرت را از اینها بگیرند.

ما در پیش چشم خودمان حوادثی اتفاق افتاده؛ حالا ممکن است بعضی از شما جوانها این حوادث را یا ندیده باشید یا درست به یاد نیاورید. آن حوادث مهم و تاریخ‌ساز، آن برانگیختگی عمومی در اوّل انقلاب، آن گنج شدن و حیرت‌زده شدن استکبار در مقابل این حرکت عظیم غیر منتظره برای آنها، بعد شروع دشمنی‌ها، و حوادث گوناگونی که برای ملت پی‌درپی پیش آمد، اینها را باید به یاد نگه داشت. [باید] بدانیم در چه وضعی هستیم. آسمان همین شهر تهران در تصرف هواپیماهای صدام بود؛ هیچ وسیله‌ای هم در مقابلش نداشتیم. خلبان می‌نشست داخل جنگنده، می‌آمد بدون هیچ دغدغه‌ای از روی تهران عبور میکرد، ما هم کاری نمیتوانستیم بکنیم؛ یا بمب بیندازد یا دیوار صوتی را بشکند و تحقیر کند ملت ایران را؛ این آسمانمان بود؛ زمینمان، در کوچه‌هایمان، در خیابانهایمان تروریسم [بود]. بیایند در خانه‌ها وارد بشوند، ترور کنند؛ پاسدار را ترور کنند، کاسب را ترور کنند، بقال را ترور کنند؛ ناامنی گسترده در سراسر کشور [وجود داشت]. ما اینها را فراموش نکنیم؛ اینها گذشت؛ ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قدرتمندانه و عزتمندانه بر اینها غلبه پیدا کرد.

فراز و نشیب‌ها یادمان نرود، زیبایی‌ها، زشتی‌ها، فراز و فرودها یادمان نرود؛ عملکرد دولتها از اوّل پیروزی انقلاب تا امروز، انواع مختلف عملکردها در دولتها، در مجالس شورا و امثال اینها.

بعد، حضور مردم؛ مردم در همه‌ی این دورانها قهرمان اصلی ماجرا و سرگذشت انقلاب بوده‌اند. این راه‌پیمایی‌های عظیم، این حضور مردمی عظیم، این حضور در جبهه‌های دفاع مقدّس در طول هشت سال و در بقیه‌ی جبهه‌ها، این راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی، بیست و دوّم بهمن، روز قدس، حوادثی مثل بیست و سوّم تیر، (۴) مثل نهم دی؛ (۵) اینها چیزهای عجیبی است؛ در همه‌ی اینها این ملت است که توانسته [شگفتی بیافریند]؛ یادمان باشد اینها را



؛ و امروز روی این حساب کنیم، عبرت بگیریم، درس بگیریم که با این ملت چگونه میشود رفتار کرد، چگونه باید رفتار کرد.

هر وقتی که نظام احتیاج به حضور مردم داشت، بدون اینکه کسی به آنها بگوید، خودشان حضور پیدا کردند. تشییع جنازه‌ی شهید سلیمانی یادتان هست، یا همین تشییع جنازه‌ی دو سه روز پیش در اصفهان؛ (۶) اینها خیلی پرمعنا است، اینها جهت‌گیری‌ها را نشان میدهد، راه را به ما نشان میدهد. این میهمانی غدیر در تهران (۷) حادثه‌ی عجیبی بود؛ و کارهایی از این قبیل که [مردم] همیشه بوده‌اند. اینها نباید از یاد برود. یاد شهید رجائی و شهید باهنر در هفته‌ی دولت یک نمونه است، یک علامت است برای اینکه ما «یاد» را باید گرامی بداریم؛ خود یاد را باید گرامی داشت؛ یاد چیز خیلی مهمی است. این یک کارکرد است.

یک کارکرد دیگر هفته‌ی دولت، فرصت پرداختن به دولتی است که بر سر کار است؛ یعنی بپردازیم به مسائل این دولت، درباره‌اش فکر کنیم، درباره‌اش حرف بزنیم، روی نقاط قوت و نقاط ضعف فکر کنیم؛ آن کسانی که اهل فکرنده فکر کنند و از آنها استفاده کنند. این عادت خیلی خوبی است که ما این هفته‌ی دولت را هر سال داریم و این فرصتی است برای اینکه بتوان درباره‌ی مسائل دولت فکر کرد، حرف زد، تصمیم‌گیری کرد. حالا در این مورد کارکرد دوّم، بنده در دو بخش عریضی دارم که سعی میکنم ان شاءالله کوتاه آنها را بگویم.

یکی اشاره‌ی به برخی از توفیقات شما است، [یعنی] آنچه از نظر من واقعاً توفیقاتی است که برای شما پیش آمده؛ غیر از این گزارش کارهای عملی و عملیاتی‌ای که آقایان گفتند و بعضی‌اش هم خیلی مهم است، آن نگاهی را که ما به توفیقات شما داریم عرض بکنیم. یک بخش هم چند توصیه است که میخواهم عرض بکنم.

اما در بخش توفیقات، به نظر من مهم‌ترین توفیق این دولت، زنده کردن امید و اعتماد در مردم است؛ این بزرگ‌ترین توفیق شما است. مجموع عملکرد دولت – چه شخص رئیس‌جمهور محترم، چه مسئولین در بخشهای مختلف – به مردم این احساس را داد که دولت وسط میدان است، مشغول کار است، دارد تلاش میکند و برای آنها خدمت میکند، میخواهد خدمت‌رسانی بکند؛ این [کار]، امید مردم را و اعتماد مردم را تا حدود زیادی احیا کرد. در مواردی، این تلاشها نتایج محسوسی هم داشت که مردم به چشم دیدند، مثل بخش سلامت، بخشهای دیپلماسی، بعضی بخشهای فرهنگی و غیره که نتایج روشن و مشخصی هم داشته؛ بعضی از آنها هم نتایجی داشته است لکن برای مردم باید این نتایج نشان داده بشود؛ نتایجی وجود داشته، منتها باید به مردم گفته بشود که این نتیجه حاصل شد، این اتفاق افتاد. در بعضی از کارها هم هنوز تلاشها به نتیجه نرسیده، لکن احساس میشود که کار دارد انجام میگیرد. این به نظر من بزرگ‌ترین توفیق شما است.

یک توفیق دیگری که شما پیدا کردید، این سفرهای استانی است؛ این خیلی حادثه‌ی درخشانی است، حادثه‌ی مهمی است. اینکه ۳۱ سفر در ۱۱ ماه انجام بگیرد به سرتاسر کشور، نقاط محروم، دورافتاده، صحنه‌های کم‌نظیری اتفاق بیفتد و دیده بشود از همدلی صادقانه‌ی با مردم و نظارت میدانی به مسائل گوناگون مردم، خیلی چیز مهمی است، که من باز در توصیه‌ها راجع به این، یک بار دیگر یک جمله‌ای عرض خواهم کرد.

توفیق دیگری که شما داشتید، سرعت عمل شما است در قبال حوادث پیش‌بینی‌نشده مثل سیل، مثل حوادثی که



اتفاق می‌افتد. این سرعت عمل خیلی چیز مهمی است. اینکه یک جایی زلزله بشود، سیل بیاید، بلافاصله مسئولین خودشان را برسانند آنجا و بالای سر کار بایستند و کار را سامان بدهند، این خیلی چیز باارزشی است. رئیس‌جمهور محترم از سفر خارجی (۸) برگشتند، بلافاصله رفتند کرمان سراغ سیل‌زده‌ها ؛ یا وزیر محترم چند روز میرود بالای سر یک کاری می‌ایستد ؛ اینها مهم است. این یکی از توفیقات شما است که نشان‌دهنده‌ی همدرد بودن دولت با مردم و در میدان بودن دولت است ؛ این هم یک توفیق است. اینهایی که من عرض میکنم به عنوان توفیقات، فقط تمجید شما مورد نظر نیست ؛ آنچه مورد نظر است این است که این رشته را از دست ندهید، این سبک کار را مواظب باشید که از دست نرود ؛ این را حفظ کنید.

توفیق دیگر، زدودن رقابتهای منفی از روابط بین قوا است ؛ به نظر من این یکی از مسائل مهم است. اینکه دولت، مجلس و قوه‌ی قضائیه دائماً با هم مناقشه داشته باشند و حرف و گفت و گله و شکایت داشته باشند، چیز بدی است، ذهن مردم را آشفته میکند. امروز احساس میشود که یک توافقی، یک همدلی‌ای وجود دارد. البته این بخش، این کار، از جمله‌ی چیزهایی است که هم دولت، هم مجلس، باید مراقبش باشند، باید حفظش کنند ؛ این شکننده است. این از جمله چیزهایی است که خیلی در اختیار شما نیست، بتنهایی در اختیار شما یا مجلس نیست ؛ افراد می‌آیند وسط و غوغاسازی و فتنه‌سازی میکنند. باید سعی کنید این همدلی را، همفکری را حفظ کنید ؛ هم دولت مواظب باشد، هم مجلس مواظب باشد، هم قوه‌ی قضائیه مواظب باشد ؛ باید مراقبت کنید.

یک توفیق دیگر شما، جوانگرایی در مجموعه‌ی اجرائی کشور است ؛ این خیلی چیز خوبی است. این موجب میشود که حلقه‌ی فرسوده‌ی مدیران باز بشود، یک نفس تازه‌ای به دستگاه‌های اجرائی کشور دمیده بشود ؛ این خیلی چیز خوبی است، این را حفظ کنید. البته بنده میدانم و مشاهده میکنم، قبلاً هم که دائم اسم جوانها را می‌آوردیم، این را میدانستیم که جوانها هم در مواردی اشتباه میکنند ؛ جوانها، هم در دولت، هم در مجلس اشتباهاتی دارند، یک خطاهایی هست اما می‌آرزد ؛ اینکه بدنه‌ی اجرائی یا تقنینی کشور با روح جوان اداره بشود، حفظ این معنا می‌آرزد که حالا چهار تا خطایی هم در یک مواردی اتفاق بیفتد. این خطاها بتدریج برطرف خواهد شد ان‌شاءالله ؛ مدیران قوی خوبی تربیت خواهند شد. این هم یک توفیق دیگر.

یک توفیق دیگر این دولت این بود که جامعه را از حالت چشم‌انتظاری و نگاه به بیرون خارج کرد. از این حالت که همیشه منتظر باشیم ببینیم دیگران درباره‌ی ما چه می‌گویند، چه تصمیم می‌گیرند، چه کار می‌خواهند بکنند خارج شده ؛ به ظرفیتهای داخل کشور اهمیت داده شده، روی آنها تکیه شده، کار دارد میشود. اینکه حالا باید حتماً با فلان کشور ارتباط برقرار کنیم تا مشکلاتمان حل بشود یا فلان گره باید از فلان جا باز بشود تا مشکلات ما حل بشود، این خیلی برای کشور مضر است ؛ این شرطی کردن حوادث کشور و در انتظار دیگران نگه داشتن، چیز بدی است که این الحمدالله در دولت شما به میزان زیادی کاسته شده.

یک توفیق دیگر شما این است که این دولت از فرافکنی و بهانه‌تراشی احتراز کرده و مسئولیت‌پذیر بوده. ما در این مدت از مسئولین محترم دولتی نشنفتیم که بگویند: «نمیگذارند کار کنیم، اختیار نداریم، اختیارات دست ما نیست» ؛ از این حرفها نشنفتیم از شما. مسئولیت‌پذیری خیلی چیز خوبی است ؛ می‌گوید «ما هستیم، باید کار کنیم و کار هم میکنیم» ؛ این نقطه‌ی مثبت بسیار مهمی است.



یک نکته‌ی دیگر هم [این است که] در زمینه‌ی سیاست خارجی و همچنین در زمینه‌ی فرهنگ، رویکردهای خوبی دیده میشود؛ حالا این رویکردها، بخصوص در زمینه‌های فرهنگی، تا به عملیات منتهی بشود یک مقداری فاصله دارد اما همین رویکردها، رویکردهای خوبی است؛ اینها را بایستی دنبال کرد که یکی از توفیقات شما است.

برجسته شدن شعارهای انقلاب، شعارهای اسلام، مثل عدالت‌طلبی، مثل پرهیز از اشرافی‌گری، حمایت از مستضعفان، استکبارستیزی که اینها شعارهای اصلی انقلاب است؛ اینها در زبانها برجسته‌تر شده، واضح‌تر شده، و این خیلی چیز خوبی است؛ اینها را ادامه بدهید. این توفیقات را سعی کنید ادامه بدهید که حالا من در توصیه‌ها، یک مقداری بیشتر عرض خواهم کرد. بالاخره کار مداوم در همه‌ی بخشها [لازم است]. این مربوط به آن بخش اول یعنی بخش توفیقات شما.

اما توصیه‌ها؛ من چند توصیه دارم. توصیه‌ی اول، که من به اغلب دولتهایی که این چندساله تشکیل شده این توصیه را کردم [این است]: شکر کنید خدا را که نعمت خدمت به مردم را به شما داده. اینکه شما در جایگاهی هستید که میتوانید به این مردم خوب، به این مردم مؤمن، به این کشور اسلامی خدمت بکنید، دادن این امکان به شما نعمت خیلی بزرگی است؛ این نعمت را شکر کنید.

شکر این نعمت هم در درجه‌ی اول این است که ارتباطتان را با خدا تقویت کنید؛ با دعا، با توسل، با توجه؛ منقطع نشوید. سعی کنید به بهانه‌ی کار زیاد و گرفتاری زیاد – که واقعاً هم وجود دارد – به آن بخش ارتباط با خدا، مسئله‌ی نماز خوب، مسئله‌ی تنقل، (۹) مسئله‌ی تلاوت قرآن و امثال اینها ضربه نخورد؛ یکی از شکرهای لازم این است. یکی هم تلاش جهادی برای مردم است، که خب الحمدالله مشغولید؛ این تلاش جهادی را ادامه بدهید. توصیه‌ی اول ما این است: شکر نعمت.

توصیه‌ی دوم من این است که کار را – یعنی همین کارهایی را که دارید میکنید – با نیت [برای] خدا انجام بدهید. کار نمایشی – که مردم بدانند، مردم ببینند، مردم از ما تعریف کنند – کار را بی‌برکت میکند. کار را وقتی با اخلاص انجام دادید، فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ (۱۰) کسی را با خدا شریک نکنید، کار را برای خدا انجام بدهید. خب خدمت به مردم کاری است که مورد رضای الهی است، بگویید پروردگارا! من برای اینکه رضای تو را جلب کنم، این کار را که خدمت به مردم باشد انجام میدهم. کار را با اخلاص انجام بدهید، این به کارتان برکت میدهد.

و البته این اخلاص که گفتیم، منافات ندارد با اینکه به مردم اطلاع‌رسانی کنید؛ اطلاع‌رسانی منافات با اخلاص ندارد. روایت هم داریم که اینکه کسی دوست بدارد که مردم بدانند کار خوبی انجام میدهد، اشکالی ندارد – روایت معتبر داریم در این زمینه – به مردم باید اطلاع‌رسانی کنید. امید مردم و اعتمادشان با این اطلاع‌رسانی افزایش پیدا میکند. اما [کار] برای خدا باشد.

توصیه‌ی سوم، همین مسئله‌ی رفتن به میان مردم است؛ این را از دست ندهید. بعضی‌ها جوسازی میکنند و یک اسمهایی رویش میگذارند که حالا بنده نمیخواهم تکرار کنم؛ اسیر این جوسازی‌ها نشوید؛ بروید با مردم روبه‌رو بشوید، حرف مردم را بشنوید، حلم به خرج بدهید. گاهی انسان خسته میشود – این جزو تجربه‌های خود بنده هم هست – گاهی انسان واقعاً خسته میشود اما تحمل کنید، صبر کنید. این حضور بی‌واسطه و پُر حجم آقای



رئیس‌جمهور در میان مردم خیلی برکات دارد، آثار خیلی خوبی دارد؛ همچنین مسئولان دیگر دولت.

البته شما [دولتتان را] میگویید «دولت مردمی»؛ دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخشهای گوناگون جلب کنید. من قبلاً هم یک وقتی گفته‌ام این را، ظاهراً در جمع شما شاید گفتم (۱۱) که بنشینید کیفیت جلب مشارکت مردم را برنامه‌ریزی کنید، تعریف کنید که چه جور میشود مشارکت مردم را جلب کرد؛ چه در زمینه‌های مالی و اقتصادی، چه در زمینه‌های سیاسی، چگونه میشود از فکر مردم و از نظر مردم استفاده کرد در بخشهای مختلف. این برنامه‌ریزی میخواهد. در این نامه‌های گوناگونی که از طریق ارتباط مردمی یا غیر آن به ما میرسد، گاهی یک پیشنهادهایی هست که انسان میبیند پیشنهادها بسیار خوبی است؛ یک آدمی که اصلاً نمی‌شناسیم چه کسی است، در یک موردی یک پیشنهادی دارد، یک نظری دارد، این نظر را میدهد، گاهی بسیار کارگشا است. [ببینید] چگونه میتوانیم از اینها استفاده کنیم.

توصیه‌ی بعدی ما مسئله‌ی عمل به وعده‌ها است؛ این را یک فریضه بدانید، مثل نماز. اگر یک کاری را شک دارید که میشود کرد یا نمیشود کرد، حتماً وعده ندهید؛ آن چیزی را وعده بدهید که میدانید میتوانید انجام بدهید، و حتماً انجام بدهید. همچنان که رفتن در میان مردم و کار کردن برای مردم امید ایجاد میکند، اعتماد ایجاد میکند، عمل نکردن به وعده درست نقطه‌ی مقابل [آن] است: مردم را ناامید میکند، حتی نسبت به زحماتی هم که در جای دیگر شما میکشید مردم را مردّد میکند؛ یک چیزی را شما وعده بدهید که این کار را ما در این شهر شما، در این محل شما انجام میدهیم و بعد به نتیجه نرسد، نتوانید انجام بدهید و انجام ندهید. یک موارد اضطراری ممکن است پیش بیاید، در این موارد بروید برای مردم توضیح بدهید که مردم بدانند، اما بنا را بر این نگذارید که ما انجام نمیدهیم، برای مردم توضیح میدهیم؛ این، اصل نیست؛ اصل، انجام دادن وعده است، تحقق این وعده است که این باید حتماً اتفاق بیفتد و انجام بگیرد. خب ما هم میدانیم، خود شما هم میدانید که یک جبهه‌ی وسیع دشمن در مجموعه‌ی استکبار و دنباله‌های استکبار و مانند اینها وجود دارد در مقابل نظام جمهوری اسلامی و فعلاً در مقابل شما که در رأس کار اجرائی قرار دارید؛ اینها از کوچک‌ترین تخلف وعده‌ی شما استفاده میکنند، بنا میکنند تبلیغات پُر حجم. بلد هم هستند که چه جوری تبلیغ کنند و به اعتماد مردم لطمه میزنند، به همکاری مردم با شما لطمه میزنند. بنابراین، وعده‌ی غیر عملی ندهید، و وعده‌هایی را که میدهید حتماً عمل بکنید.

توصیه‌ی بعدی: مراقب باشید کارهای روزمره شما را غرق نکنند در خودش! یک طرح کلی عملیاتی برای مجموعه‌ی مسائل کشور در مقابل دولت باید وجود داشته باشد - لابد وجود دارد - کار را بر اساس طرح پیش ببرید، بر اساس نقشه‌ی کلی پیش ببرید، جوری کنید که مخالفین شما نتوانند بگویند دولت طرح کلی ندارد؛ یعنی واقعاً یک طرح کلی روشنی که قابل توضیح برای مردم هم باشد، در مقابل شما باید وجود داشته باشد در زمینه‌ی مسائل کلان کشور و بر اساس آن طرح پیش بروید. اگر این شد، آن وقت این کارهای روزمره‌ای هم که پیش می‌آید، در جای خود قرار خواهد گرفت. اینکه ما میگوییم «غرق در کارهای روزمره نشوید»، معنایش این نیست که اگر چنانچه قضیه‌ی آبادان (۱۲) پیش آمد، سراغش نروید؛ نه، باید بروید؛ حتماً باید بروید در مسئله‌ی سیل و مسائل گوناگون دیگر، حتماً باید خودتان را به این کارهای دفعی و پیش‌بینی‌نشده برسانید اما اینها شما را در خودش غرق نکند. کار را با برنامه انجام بدهید، و عطفِ توجه (۱۳) عمده‌ی شما به همین برنامه‌ی کلان و نقشه‌ی جامع باشد. این هم یک مسئله.



توصیه‌ی بعدی ما این است که اولویتهای را رعایت کنید؛ بالاخره توان دولت محدود است، به همه کار که نمیشود رسید؛ بایستی ببینیم کارهای اولویتهای کدام است. حالا «اولویت» یعنی چه؟ اولویت را هم بین سرفصل‌های اساسی - مثلاً فرض کنید که ما یک سرفصل داریم به عنوان اقتصاد، یک سرفصل داریم به عنوان علم، یک سرفصل داریم به عنوان امنیت، یک سرفصل داریم به عنوان آسیب‌های اجتماعی، یک سرفصل داریم به عنوان فرهنگ؛ اینها سرفصل‌های اصلی است - پیدا کنید؛ که حالا به نظر بنده فعلاً اولویت، اقتصاد است. نه اینکه به بقیه‌ی کارها نباید رسید؛ چرا، به همه‌ی کارها باید رسید اما عطف توجّه عمده باید به سوی مسائل اقتصاد باشد که حالا عرض خواهم کرد.

خب، بعد که در سرفصل‌ها اولویت معین شد، در همان مواردی هم که در زیرمجموعه‌ی هر سرفصلی هست، باز اولویتهایی وجود دارد؛ مثلاً در باب اقتصاد اولویت چیست؟ در باب فرهنگ اولویت چیست؟ در همه‌ی اینها باید اولویتهای را رعایت کنیم. البته عرض کردم که به نظر من امروز مسئله‌ی اصلی و مسئله‌ی اولویتهای، مسئله‌ی اقتصاد است. [البته] این مال امروز است؛ تا کی؟ نمیدانیم؛ تا یک برهه‌ای. به مسئله‌ی اقتصاد جداً باید برسید؛ البته با پیوست فرهنگی؛ یعنی هر کار اقتصادی‌ای که انجام میدهید، حتماً پیوست فرهنگی همراهش باید باشد که این جزو چیزهای لازم است. حالا فرض کنید که مسئله‌ی دیپلماسی و مسئله‌ی فرهنگ و مسائل دیگر هم هست که بایستی آنها را [هم] انجام بدهید.

حالا در مسئله‌ی اقتصاد دو سه نکته در زیر این مجموعه وجود دارد که عرض میکنم: یک مسئله این است که مجموعه‌ی مدیران اصلی اقتصاد کشور باید منسجم عمل کنند. این البته در بیانات آقای رئیس‌جمهور بود که ما می‌نشینیم و اگر هم اختلاف نظر هست، به یک نقطه‌ای میرسیم، همه آن نقطه را دنبال میکنیم. من می‌خواهم روی همین تأکید کنم. یک مواردی خلاف این مشاهده میشود؛ حتماً سعی کنید که در زمینه‌ی مسائل گوناگون اقتصادی به نظر واحد برسید. اگر به نظر واحد هم نرسیدید، آن نظری را که رجحان پیدا میکند، دیگران هم همان نظر را تقویت کنند؛ این نباشد که یکی از مسئولین اقتصادی - حالا چه مسئولین ستادی اقتصادی، چه مسئولین اجرائی اقتصادی - یک حرف بزند، یکی یک حرف دیگر بزند؛ فرض کنید مثلاً در مسئله‌ی حذف ارز ترجیحی کسی یک جور بگوید، کسی یک جور دیگر بگوید؛ این نمیشود؛ باید همه یک حرف بزنند، همه یک منطق را دنبال بکنند.

دوّم اینکه همان طور که گفتیم، در خود اقتصاد اولویتهای مشخص بشود که حالا من بعداً یک اشاره‌ای میکنم.

سوّم در باب مسائل اقتصاد این است که خب در اقتصاد چند نقطه‌ی اساسی وجود دارد، روی اینها تمرکز بشود. خود رئیس‌جمهور محترم روی این نقاط اصلی - که حالا عرض میکنم - تکیه کنند، سؤال کنند و گزارش بخواهند، تا پیشرفتهای را مشاهده کنند. مثلاً فرض کنید شاخصهای اساسی؛ مثل اندازه‌ی تورّم و رشد تورّم - حالا من به جای کلمه‌ی نرخ، نرخ تورّم، کلمه‌ی اندازه را به کار می‌برم - این باید جزو مسائلی باشد که همیشه جلوی چشم باشد. یا رشد اقتصادی؛ که حالا در سیاستها برای مسئله‌ی رشد اقتصادی یک اندازه‌ای معین شده؛ ما روی آن عدد هشت تکیه میکنیم. خب حالا این باید به طور دائم مورد مراقبت باشد. یا مسئله‌ی رشد سرمایه‌گذاری؛ ما از لحاظ سرمایه‌گذاری واقعاً عقبیم؛ واقعاً عقبیم. مشکلات فراوانی بر اثر عدم اعتنا و اهتمام به سرمایه‌گذاری به وجود آمده، عمدتاً در بخش صنعت، در بخش کشاورزی هم همین جور. یا رشد اشتغال، یا رشد درآمد سرانه، یا کاهش



فاصله‌ی طبقاتی. از چیزهای بسیار مهم که حالا در گزارشهای شما بود که این فاصله کاهش پیدا کرده – با نشانه‌ی ضریب جینی – این باید دنبال بشود، باید تعقیب بشود، این باید روزانه مورد توجه قرار بگیرد. اگر چنانچه این سرفصل‌ها، این شاخصهای عمده به طور دقیق و پی‌درپی و مستمر مورد توجه قرار نگیرد، مغفول‌عنه خواهد ماند؛ یک وقت آدم نگاه میکند میبیند که در زمینه‌ی تورم یا فرض کنید که در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری و غیره باز عقب افتادیم. این هم یک موضوع.

یک مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی تولید است که آقایان هم اشاره کردید، بنده هم سالها است اشاره میکنم. عمده‌ترین سرفصل اقتصادی ما برای پیشرفت اقتصاد مسئله‌ی تولید است. یعنی حقیقتاً بهبود معیشت مردم، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی قدرت خرید، مسائل گوناگون دیگر اقتصادی، وابسته‌ی به تولید داخلی است که باید به آن خیلی اهمیت داد. واقعاً با هر چیزی که تولید را تضعیف میکند باید مقابله کنید. با هر چیزی که تولید داخلی را به زانو درمی‌آورد و شکست میدهد، باید با جدیت مقابله کرد؛ قاطعانه بایستی مبارزه کنید؛ چه در صنعت، چه در کشاورزی.

در مسئله‌ی کشاورزی، مسئله‌ی امنیت غذایی خیلی اهمیت دارد. حالا اوضاع امروز دنیا را نگاه کنید؛ یک گوشه‌ی دنیا یک جنگی اتفاق افتاده (۱۴) و مسئله‌ی امنیت غذایی برای همه‌ی دنیا مطرح شده؛ یعنی مسئله‌ی امنیت غذایی این قدر مهم است. ما که راجع به خودکفائی گندم، خودکفائی ذرت، خودکفائی نهاده‌های دامی همیشه تأکید میکردیم، بعضی‌ها بودند به عنوان متخصص، به عنوان کارشناس که میگفتند باید رفت دنبال صنعت؛ خوب بله، ما که با صنعت مخالف نیستیم، ما بیشتر از بعضی‌های دیگر دنبال این بودیم که صنعت کشور پیش برود، منتها مسئله‌ی امنیت غذایی مسئله‌ی درجه‌ی یک است؛ نباید از آن غلفت کرد. و ببینید امروز در دنیا دیگر کاملاً واضح است که چقدر مهم است.

در تولید صنعتی و بخش صنعت، یک مشکل بزرگ – که من حالا در آن نمایشگاه (۱۵) هم که این گزارش عملکردها را نگاه میکردیم، به دوستانی که بودند گفتم – کمبود «سرمایه در گردش» است؛ [از این مشکل] شکایت میکنند؛ این به عهده‌ی بانک‌ها است. بانک‌ها بایستی نگذارند که واحدهای تولیدی از لحاظ سرمایه در گردش دچار مضیقه بشوند. خوب حالا یک سخت‌گیری‌هایی بانک مرکزی بجا، بموقع، بمورد [میکند که] این سخت‌گیری‌هایی که در مورد تراز و ترازنامه و مانند اینها میکنند درست است، اینها بجا است و این محدودیتهای برای بانک‌ها لازم است، منتها این محدودیتهای را بکشانید به سمت کارهای غیر مولد بانک‌ها. خوب می‌بینید دیگر؛ بانک‌ها کارهایی دارند که غیر مولد است – زمین بخر، سکه بخر – از این کارها زیاد دارند؛ بنگاه‌داری بانک‌ها. این محدودیتهای را بکشانید به آن سمت. مراقبت کنید که تسهیلات بانکی نسبت به واحدهای تولیدی ضربه نبیند؛ واحدهای تولیدی متکی به همین تسهیلات بانکی هستند. این هم یک مسئله.

عرض کردیم که در برنامه‌های اقتصادی اولویتهایی وجود دارد، بعضی را گفتیم؛ مثلاً بخش مسکن یکی از اولویتهای است. مسکن خیلی مسئله‌ی مهمی است. اولاً خود حرکت در بخش مسکن، ایجاد اشتغال میکند؛ خود ورود در قضیه‌ی مسکن، برای یک تعداد زیادی از افرادی که کارشناس این مسائل هستند شغل ایجاد میکند. ثانیاً در مسئله‌ی مسکن، ما وابستگی نداریم به خارج؛ زمینش مال خودمان است، مصالحش مال خودمان است، طراحان اینها مال خودمان است. بنابراین، به مسئله‌ی مسکن باید رسید. ما در قضیه‌ی مسکن خیلی عقبیم، نتایجش را هم دارید



می‌بینید: قیمت خانه و اجاره‌ی خانه سرسام‌آور است، مردم واقعاً در زحمتند. یکی از اولویتهای قطعی در مسائل اقتصادی، بخش مسکن است.

در بخش انرژی، این پتروپالایشگاه‌ها که از زمان دولت قبل هم بنده مکرر تأکید میکردم، (۱۶) یکی از این کارهای مهم است که حالا البته اطلاع دارم شما مشغول شده‌اید، لکن دنبال کنید مسئله‌ی اینها را؛ مهم است.

در بخش معدن – که ما در بخش معدن هم خیلی عقبیم – این زنجیره‌ی ارزش افزوده‌ی معدن را تکمیل کنید. در یک مواردی برای بنده گزارشهای گوناگونی در سالهای مختلف می‌آمده که من به دولتها ارجاع میکردم، به مسئولین ارجاع میکردم، [منتها] واقعاً کار درست و حسابی در زمینه‌ی معدن نشده؛ باید کار بشود. ما بهترین معادن را و متنوع‌ترین معادن را داریم؛ معدنها یا دست‌نخورده باقی مانده یا به شکل خام صادر شده؛ دیگران سنگ را از اینجا برداشتند بردند و روی آن کار کردند، همان سنگ را با چند برابر قیمت آورده‌اند اینجا فروخته‌اند به ما! سنگهایی که در بعضی ساختمانها استفاده میشود، گاهی همان سنگهایی است که از اینجا – مثلاً فرض کنید از معادن سنگ کرمان که خب فوق‌العاده است – این را برداشتند بردند ایتالیا، روی آن کار کردند، فراوری کردند، درست کردند، باز همان را ما رفته‌ایم با چندین برابر قیمت خریده‌ایم آورده‌ایم در ساختمانهایمان استفاده کرده‌ایم. مسئله‌ی معدن هم یکی از اولویتهای است.

آن وقت در بخش حمل و نقل، همان تکمیل مسیرهای حیاتی از قبیل مسیرهای ترانزیتی – همین بحث شمال و جنوب و شرق و غربی که مطرح است – خیلی مهم است. جایگاه کشور ما از سابق و از قدیم گفته میشد که یک جایگاه ارتباطی استثنائی است؛ هم از لحاظ ارتباط شمال و جنوب، هم از لحاظ ارتباط شرق و غرب، واقعاً یک جایگاه استثنائی است؛ یعنی در نقشه‌ی دنیا که انسان نگاه میکند، کشور ما از این جهت جزو جاهای کم‌نظیر است. بنابراین، هم راه‌های ارتباطی ترانزیتی، هم راه‌های ارتباطی برای ارتباطات داخلی و حمل و نقل داخلی؛ این هم یکی از چیزهای مهم است.

یکی دیگر از مسائل مهم اولویتهای بخش اقتصاد، همین مسئله‌ی دریا است که ایشان (۱۷) هم بیان کردند. من چند سال است که راجع به مسئله‌ی دریا تأکید میکنم؛ خب، یک حرکت‌های کوچکی هم انجام گرفته اما آن کاری که باید بشود نه [نشده]. دریا خیلی مهم است؛ خود دریا، آب دریا، محصولات دریایی، بنادر موجود، مناطق مسکونی‌ای که اطراف دریا میشود به وجود آورد، یک منبع ثروت فوق‌العاده است برای کشور. ما، هم در شمال دریا داریم، هم در جنوب دریاهای آزاد داریم که این یکی از امتیازات بزرگ کشور ما است؛ ما باید از این، حداکثر استفاده را بکنیم.

به طور خلاصه اگر بخواهم عرض کنم، توصیه‌ی من در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی این است که نگذارید ظرفیتهای طبیعی و انسانی عظیمی که در کشور هست هرز برود؛ نگذارید. آقای مخبر درست میگویند که ما مواردی داریم که هر کدام بتنهایی میتوانند مملکت را اداره کنند؛ واقعاً اینها جزو آن ثروتهای عظیم ملی ما است، نگذارید اینها هرز برود.

یکی از چیزهایی که من همیشه سفارش میکنم این است که نگذارید کار نصفه‌کاره بماند. ما خیلی از اوقات وقتی که به هیجان می‌آییم و به شوق می‌آییم و مانند اینها، یک کاری را با شوق و علاقه شروع میکنیم، چند قدم می‌رویم،



بعد بتدریج سست می‌شویم و کار [روی] زمین میماند؛ از این بترسید و نگذارید کارها نصفه‌کاره بماند. البته بعضی از مشکلات، ناشی از تراکم مشکلات گذشته است که متراکم شده؛ این مشکلات را برطرف کردن؛ سخت و زمان‌طلب است، صبر کنید؛ صبر و استقامت داشته باشید. ان شاء الله با یک حرکت جهادی همه‌ی اینها را انجام بدهید و خلاصه اگر این حرکت‌هایی که عرض شد انجام بگیرد، ثابت خواهد شد که دولت سیزدهم، یک دولت کاملاً کارآمد و فعال و برطرف‌کننده‌ی مشکلات زندگی مردم خواهد بود؛ هم خدا را راضی میکنید، هم مردم را ان شاء الله راضی میکنید.

حالا این اجمالی بود از آنچه لازم بود عرض بکنیم. ان شاء الله خداوند متعال به شماها توفیق بدهد؛ من شماها را دعا میکنم؛ همیشه دعا میکنم. ان شاء الله خداوند روح مطهر امام بزرگوارمان را، ارواح مطهر شهدای عزیزمان را از شما، از ما راضی کند، و ما را موفق بدارد که بتوانیم به وظایفمان در قبال اینها و در قبال مردم عزیزمان به بهترین وجهی عمل کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

- (۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت هفته‌ی دولت برگزار شد - حجّت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) و آقایان دکتر محمد مخبر (معاون اول)، سیدصورت مرتضوی (معاون اجرایی رئیس جمهور)، سیدمسعود میرکاظمی (رئیس سازمان برنامه و بودجه) و علی‌اکبرمحرابیان (وزیر نیرو) گزارشهایی ارائه کردند.
- (۲) سوره‌ی یس، بخشی از آیه‌ی ۱۱: «بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حقّ را پیروی کند ...»
- (۳) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۱۰: «... ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یادِ شما در آن است ...»
- (۴) راه‌پیمایی باشکوه مردم در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۲۳، در واکنش به اقدامات فتنه‌گران ماجرای کوی دانشگاه تهران
- (۵) راه‌پیمایی باشکوه مردم در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۹، در واکنش به اقدامات آشوبگران فتنه‌ی ۸۸
- (۶) تشییع جنازه‌ی باشکوه آیت‌الله محمدعلی ناصری در شهر اصفهان در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۶
- (۷) در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۲۷ مردم تهران به مناسبت عید غدیر یک مهمانی ده‌کیلومتری در خیابان ولی‌عصر برگزار کردند که برآوردها از حضور حدود سه میلیون نفر در آن گزارش کردند.
- (۸) سفر دوازده‌روزه‌ی رئیس‌جمهور به مسکو در تاریخ ۲۹ دی ۱۴۰۰
- (۹) نوافل و کارهای مستحبّی
- (۱۰) سوره‌ی کهف، بخشی از آیه‌ی ۱۱۰: «... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.»
- (۱۱) بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم (۱۴۰۰/۶/۶)
- (۱۲) اشاره به فروریختن برج متروپل آبادان در دوّم خرداد ۱۴۰۱ که بر اثر آن، ده‌ها نفر کشته و مجروح شدند.
- (۱۳) اعتنا
- (۱۴) از تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۵ تا کنون کشورهای روسیه و اوکراین وارد جنگ نظامی شده‌اند.
- (۱۵) نمایشگاهی از گزارش عملکرد بخشهای مختلف دولت در حاشیه‌ی این دیدار برقرار شده است.
- (۱۶) از جمله، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۷/۶/۷)
- (۱۷) آقای دکتر محمد مخبر (معاون اول رئیس‌جمهور)